پژوهشنامهٔ بختیاری‌شناسی و اقوام ایرانی
دوره۳، شماره ۲ – شماره پیاپی ۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، صص ۲۴۵-۲۳۲

اغراق در حماسه جام جلال ملا راه خدا سلجوقی

مهدی طهماسبی *

چکیده

حماسی زیستن و داشتن نگاهی مبتنی بر حماسه در زندگی، اندیشه و رویکردهای مردمان چهارمحال و بختیاری از دیرباز به واسطه دمساز بودن با شاهنامه فردوسی، امری ملموس بوده است و شاعران بومی این استان آثار حماسی فراوانی سروده‌اند که یکی از این آثار منظومه جام جلال که باید آن را در زمرهٔ حماسه‌های دینی برشمرد، از این حماسه‌هاست. منظومه‌ای حماسی و ناشناخته در بحر متقارب با حدود ۱۵۰۰بیت سروده شاعری گمنام از شهرستان کوهرنگ استان چهارمحال وبختیاری به نام ملا راه خدا سلجوقی پبدنی که آن را حدود سال ۱۳۵۰ه.ش سروده است و بی‌گمان یکی از دشواری‌های موجود در حماسه دینی که برخوردار از صبغه اعتقادی و مرتبط با باورهای مقدس هستند تبدیل یک روایت غیر شاعرانه و سنگین دینی که از قداست و حساسیت خاصی بهره مند است به روایتی منظوم، خوش ساخت، عامه فهم و به دور از حواشی احتمالی اعتقادی است.

در این نوشتار به بررسی صنعت اغراق و انواع در این منظومه پرداخته شده است.

۱. مقدمه

اغراق را باید نوعی بزرگ‌نمایی و تجاوز از واقعیت‌های موجود دانست که به شاعر امکان قدرت نمایی می‌دهد. برای تجسم بهتر و موثرتر عواطف، بهره‌گیری از اغراق است وقتی مبالغه‌ای در اثر منظوم صورت می‌گیرد فضای‌ترسیم شده درآن گویاتر و

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد. ایران. Tahmaseby85@yahoo.com

اثرگذارتر است وحاصل نوعی اسناد مجازی است‌که به تصویر جان می‌بخشد، روح و حرکت جنبش، حیات و بودن می‌بخشد.

«مبالغه و اغراق آن است که در صفت کردن و ستایش و نکوهش کسی یا چیزی افراط یا زیاده روی کنند چندان که از حد عادت معمولی بگذرد و برای شنونده شگفت انگیز باشد» (همایی، ۱۳۸۹: ۱۷۱).

حماسه با اغراق پیوند خورده است «در این که اغراق نیرومندترین و مهمترین عنصر خیال شاعرانه و شاعرانگی است شکی نیست ونقش اغراق در حماسه‌ها تا به حدی است که آرایه‌های بلاغی دیگر را زیر مجموعه آن تعریف کرده‌اند. اغراق در حماسه جزو ذات شعر است نه یک صنعت بدیعی» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۱۸).

۱-۱. بیان مسئله

پرداختن به زندگی و اشعار شاعری که تاکنون ناشناخته مانده و کمتر توجهی به او و سروده‌هایش شده زمینه‌ای برای معرفی و توجه به توانمندی‌های شاعرانه‌اش می‌شود و ملا راه خدا سلجوقی پیدنی شاعر همروزگار ما و منظومهٔ حماسی‌اش جام جلال هم از این منظر قابل توجه است و همچنان تلاش برای بازنمایی بخشی از هنر و استعداد شاعرانگی او در بهره‌گیری از صنعت اغراق که جز لاینفک و جدانشدنی حماسه بوده و هست. ملاراه خدا سلجوقی شاعر حماسه‌سرای کمتر مطرح شده‌ای است که قابلیت‌های ادبی شایان توجهی دارد.

۱-۲. پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت از آنجا که منظومه جام جلال به تازگی منتشر شده تاکنون هیچ پژوهش در خصوص این منظومه صورت نپذیرفته و به تبع، در خصوص اغراق هم پژوهشی صورت نپذیرفته است و روش کار بر این گونه بوده که همه ابیات منظومه بررسی و ابیات متناسب با مبحث و مرتبط با مقاله استخراج و دسته بندی شده است .

۲. تعریف حماسه و حماسهٔ دینی

دکتر شفیعی کدکنی در خصوص حماسه می‌نویسد: «حماسه شعری است داستانی – روایی با زمینه قهرمانی و صبغه قومی و ملی که حوادثی بیرون از عادت در آن جریان دارد» (شفیعی کدکنی،۱۳۵۲: ۱۰).

در این باره باید گفت: حماسه شعری مبتنی بر توصیف رفتارها، پهلوانی‌ها، رشادت‌ها، مردانگی‌ها و افتخارات توام با بزرگی و نام‌آوری قومی یا فردی است که با روح و جان آدمی عجین شده باشد و خواننده با آن همذات‌پنداری و هم نوایی می‌کند و دکتر ذبیح‌الله صفا بر اساس محتوا حماسه را به دو نوع اساطیری و پهلوانی و تاریخی تقسیم می‌کند و حماسه‌های دینی را در ذیل حماسه‌های تاریخی تعریف می‌کند و می‌نویسد «ممکن است موضوع حماسه تاریخی زندگی یک یا چند تن از قهرمانان دینی باشد که با توجه به حقایق تاریخی یا با آمیزش وقایع تاریخی و مطالب داستانی بوجود آمده باشد» (صفا، ۱۳۷۴: ۷).

یکی از صنایع ادبی که قابلیت بالا بردن و اثرگذاری خوانشی و ذهنی شعر حماسی را داراست، آرایه اغراق است که با درآمیختگی با آرایه‌هایی نظیر استعاره، تشبیه و اسناد مجازی این حرکت را انجام می‌دهد.

۳. معرفی شاعر

ملا راه خدا سلجوقی که شرح حالش در تذکره‌های ادبی موجود نیست و از مکتب داران نظام آموزش سنتی است که در سال ۱۲۸۲ ه.ش در شهرستان کوهرنگ و در ایل بختیاری به دنیا آمده کارش مکتب‌داری بوده آموختنی‌های نخستین را نزد مکتب‌داران قدیمی در سال‌های پایانی شمسی فراگرفته و با توجه به اینکه مردمان چهارمحال وبختیاری از دیرباز با شاهنامه فردوسی دمساز بوده‌اند و در محافل و دورهم نشینی‌های شبانه آن را می‌خوانده و تکرار می‌کرده‌اند. ملا راه خدا در فضای حماسی استعدادهای ادبی‌اش بارور شده و آنها را ثبت و ضبط نموده که مهمترین تجلی این تاثیرپذیری از روح حماسی را در منظومهٔ جام جلال می‌توان به نظاره نشست. وی در سال ۱۳۶۱ ه.ش در روستای زادگاهش دیده از جهان فروبسته است.

ملاراه خدا سلجوقی پرورش یافته استانی است که در چند سده اخیر شاعرانش با تاثیرپذیری از حکیم ابوالقاسم فردوسی که در واقع بخشی از خط سیر زندگی همه مردمان این منطقه است حماسه‌های دینی را در قالب منظومه‌هایی که بیشتر در بحر تقاربند، سروده و به مخاطبان عرضه کرده‌اند، سخنورانی همچون میرزای قهفرخی ۱۱۶۰ه.ق منظومه چهارباغ، میرزا عبدالوهاب قطره سامانی ۱۲۶۰ه.ق منظومه ۲۰هزاربیتی مختارنامه، میرزا محمدعلی فرخی بروجنی ۱۲۵۵ه.ق منظومه ۱۶ هزاربیتی هنرنامه، میرزا احمد ملال دزکی ۱۲۸۰ ه.ق منظومه حمله حیدری، میرزا گل‌محمد بنا مجنون تخلص دهکردی ۱۲۸۴ه.ق صاحب منظومه ۵ هزاربیتی زینت المسلمین، میرزا ابوالفتح دهقان سامانی ۱۳۱۶ه.ق منظومه داودنامه و سلیمان نامه .

در این که آیا ملا راه خدا غیر از این منظومه، که نشان از پختگی و توانمندی شعری او دارد، آیا اثر ادبی دیگر از او باقی ماندهٔ یا خیر نمی‌توان متقن صحبت کرد.

٤. جام جلال رزمنامه بدر

منظومه‌ای حماسی و ناشناخته در بحر متقارب با حدود ۱۵۰۰بیت سروده شاعری گمنام از شهرستان کوهرنگ استان چهارمحال وبختیاری به نام ملا راه خدا سلجوقی پبدنی که آن را حدود سال ۱۳۵۰ه.ش سروده است.

ظاهرا منظومه جام جلال وی بخشی از یک منظومه بزرگتر است چون منظومه با این ابیات شروع می شود:

چو از مجلس بزم پرداختم — صف آرایی رزم را ساختم
ز باغ رسل آفتاب رسل — سراسر ز باغ جهان رست گل
گل دین و دولت دمیدن گرفت — خس کفر هر سو پریدن گرفت

(سلجوقی، ۱۴۰۱: ۹)

و نام این منظومه را در بیتی چنین می‌آورد

پر از نور خور سان جام جلال — که در جنگ بدر است ما را مقال

(همان: ۱۰)

ودر بخش‌های مختلف این منظومه شاهد روایت حماسی به قول خودش اصحاب دین با مشرکین در غزوه بدر هستیم.

دکتر صفا بر این باور است که «خاصیت بیشتر کتب حماسی (ملی، تاریخی و دینی) ایران است که لامحاله مبتنی و مستند بر اصل بوده و سازندگان آنها مستقیما در جعل روایات و احادیث دخالتی نداشته اند» (صفا، ۱۳۷۴: ۲۷۷)

و ملا راه خدا نیز شاعری است که حماسه‌اش را مستند بر روایات دقیق دینی سروده است و او نیز مصداق این گفته دکتر صفاست که "در یک منظومه است که می‌نویسد «در یک منظومه حماسی، شاعر هیچ گاه عواطف شخصی خویش را در اصل داستان وارد نمی‌کند و آن را به پیروی از امیال خویش تغییر نمی‌دهد و به شکلی تازه چنان که خود بپسندد یا معاصران از او بخواهند در نمی‌آورد» (صفا، ۱۳۷۴: ۷).

ملا راه خدا سلجوقی در این منظومه حماسی در قامت شاعری هم قد و هم طراز شاعران دوره بازگشت عصر قاجار ظاهر می‌شود و در عین حال که شعرش پخته و شایان توجه است اما به هیچ وجه اثری از مظاهر تجدد و نوگرایی واژگانی در این منظومهٔافت نمی‌شود و هرچه در این اثر هست واژگان همه فهم و ساده که تشبیهات ساده، روان و عینی آن را با مختصات سبک خراسانی پیش می‌برد. جام جلال هم مانند همهٔ منظومه‌های حماسی چه ملی و چه دینی و تاریخی سروده شدهٔ پس از شاهنامه فردوسی که در واقع سنجهٔ حماسی سرودان در پهنهٔ ادبیات فارسی است، تحت تاثیر مستقیم و غیرمستقیم این اثر سترگ قرار گرفته است.تاثیرگذاری فردوسی تا به حدی است که الهامی کرمانشاهی در شاهدنامه او را شاعری که قابلیت پیغمبر فارسی زبان شدن را دارد نامیده و بیان می کند

فرستاده ای پارسی گر خدای فرستادی اندر جهان رهنمای
سخن گستر طوس پیغمبری بدو نامه اش ایزدی دفتری

(الهامی، ۱۳۸۳: ۲۱)

بی‌گمان یکی از دشواری‌های موجود در حماسه دینی که برخوردار از صبغه اعتقادی و مرتبط با باورهای مقدس هستند تبدیل یک روایت غیر شاعرانه و سنگین دینی که از قداست و حساسیت خاصی بهره‌مند است به روایتی منظوم، خوش ساخت، عامه فهم و به دور از حواشی احتمالی اعتقادی است.

کاری که به نظر می‌رسد ملا راه خدا از عهده آن برآمده است وی با بهره‌گیری از واژگان تراش‌خورده و ساده و ترکیبات در خور توجه، توانستهٔ اثر شاعرانه و منظوم قابل دفاع و خواندنی خلق کند که مخاطب را در سیر این مسیر با خود همراه می‌سازد

به درگاه خلاق بالا و پست — به نفرین کفار برداشت دست
بگفت ای خدای جهان آفرین — نگارنده آسمان و زمین
ز احوال هر بنده دانا تویی — به هر کار مشکل توانا تویی

(سلجوقی، ۱۴۰۱: ۴۹)

و

به پاسخ بگفتند یاران تمام — که هستیم ما حکم او را تمام
به تاییید ایزد قدم نه دلیر — که جان ترا همرهیم ای امیر

(همان: ۶۲)

و

چنین گفت آن مرد بی‌مکر و غدر — که چاهی است در آخر حد بدر
پر آب است آن چاه، آبش زلال — زمینش نکو نیز بهر جدال

(همان: ۱۳)

البته نمونه‌های متعدد دیگری وجود دارد که برخی از آنها در بخش اغراق ارائه می‌گردد.

۵. انواع اغراق

گونهٔ ادبی حماسه، اغراق خاص خود را می‌طلبد اغراقی که با روح کلی و جامع‌نگر حماسه هماهنگ و هم پا باشد و با آن پیش بیاید و مخاطب را همراه سازد نه دلزده و

«در حماسه اغراق شاعرانه جای همهٔ تصاویر را می‌گیرد زیرا تشبیه و استعاره حادثه را محدود و کوچک می‌نماید» (رستگار فسایی، ۱۳۶۹: ۴۴۷). و با عنایت به ظرفیت‌های ادبی صنعت اغراق می‌توان گفت: اغراق در حماسه می‌تواند تصویر در سطح و تصویر در اعماق را بیافریند (فتوحی، ۱۳۸۹: ۶۴).

اغراق در نوع‌های مختلف ادبی وجود دارد ولی اثرگذاری و خودنمایی آن در ادبیات حماسی بالاتر و ملموس‌تر است.

در منظومه جام جلال اغراق متناسب با فضای ذهنی و اندیشه‌های مخاطب و منظومه پیش می‌رود و این نگاه حماسی رنگ و بوی مذهبی دارد

بیارای بزم ظفر التزام که آمد برون تیغ دین از نیام
(سلجوقی، ۱۴۰۱: ۱۰)

چو کرد این دعا سیدالمرسلین بگفتند آمین سپهر و زمین
(همان: ۷۸)

حتی آنجا که شاعر به پیروی از حکیم نظامی گنجوی ساقی‌نامه می‌سراید و از ساقی مدد می‌خواهد این حس و حال مذهبی در آن به چشم می‌خورد.

بیا ساقی اکنون بده جام می بگو با مغنی دمد دم به نی
دماغم شد از فکر آتش فشان به دل سوخت مغنی سخن در زبان
شوم مست با تیغ تیز و زبان کشم آره بر تارک مشرکان
(همان: ۱۰۸)

سخن‌پرداز گمنام در تحسین‌های اغراق‌آمیزش هم به نگاه مذهبی خویش پای بند است

به تحسین آن جان نثاران دین زبان ملائک پر از آفرین
(همان: ۱۱۲)

و حتی تلمیحی قرآنی به بنیان مرصوص دارد

کشیده شد آن صف مردف چنان که بنیان مرصوص شد وصف آن
(همان: ۱۱۰)

۵-۱. اغراق صرف یا اغراق خالص

در این نوع اغراق شاعر خود را مجاز ندیده که سخن اغراق آمیز خویش را با صنایع و آرایه‌های دیگر درآمیزد در این اغراق حس مبالغه حرف اول را می‌زند و اسناد مجازی که «اغتشاش در محور هم‌نشینی زبان است» (شمیسا، ۱۳۷۱: ۲۶۱) در این نوع آرایه‌ها بهره می‌گیرد و وقتی از قدرت بدنی سخن می‌گوید

تو گفتی که زورش کند بی‌گمان ز روی زمین خیمهٔ آسمان
(همان: ۱۱۳)

که از دهشت آن ذره آب گون ز وحشت بباریـد از دیده خون
(همان: ۱۴۶)

وقتی از رویارویی مردان جنگجو تیغ به دست سخن می‌گوید رستخیزی را در جهان نمایان بر می‌شمرد

به هم رو نمودند با تیغ تیز برانگیختند از جهان رستخیز
(همان: ۱۲۲)

چنان کرد سوفار بر سینه جا که شد خندهٔ زخم دندان نما
(همان: ۱۶)

یکی مرد چالاک صمصم نیام که بگذاشتی پیش از باد، گام
(همان: ۲۱)

دگر گل در آنجا نکردند بوی سوی لشکر خود نمودند روی
(همان: ۳۹)

از آن گرد خیزد ز دشت نبرد پدید آید آن گه ز نامرد، مرد
(همان: ۱۰۱)

چنان خاست از کوس حربی غریو که شد آب از آن زهرهٔ نره دیو
(همان: ۱۰۹)

شب تیره و هول خیل عدو دگر رنگ ماند کسی را به رو

(همان: ۶۸)

شـــوم گـــرم هنگامـــهٔ گیـــر و دار　　در آیـــد ز میـــدان بـــه کیـــوان غبـــار

(همان: ۱۰۵)

روی گـر بـه دریـا بـه سـر مـی‌رویـم　　بـــه همراهیـــت مـــوج دریـــا شـــویم

(همان: ۵۴)

۵-۲. اغراق مرکب یا ترکیبی

اغراق مرکب اغراق‌هایی هستند که شاعر چند آرایه ادبی را با هم در آمیخته و در ساخت و پرداخت اغراق‌ها از آنها استفاده می‌کند

کـه ناگـه بـه حکـم جهـان آفـرین　　هـم از بهـر تسـکین اصـحاب دیـن

یکـی ابـر برخاسـت دریـا بـه دوش　　کـزو بـاز شـد جملـه را چشـم و گـوش

بباریـــد بـــاران رحمـــت چنـــان　　کـــه گردیـــد رودی ز هـــر ســـو روان

زمین سخت شد آن چنـان بـی درنـگ　　که گفتی شد آن ریـگ یـک تختـه سـنگ

(همان: ۶۵)

گاهی تشبیه، استعاره را در کلام وارد می‌سازد و گاهی تضاد، کنایه و اسناد را با هم همراه می‌سازد و سخن خویش را با آنها تزیین می‌کند

همـــان روز آن راز گشـــت آشـــکار　　چـــه بشـــنید بوجهـــل شـــد بـــی‌قـــرار

بـــه ســـوی حـــرم رفـــت آن تیـــره دل　　کـــه عبـــاس را ســـازد آنجـــا خجـــل

چه دیدش چنـین گفـت بـا زهرخنـد　　زنـــان شـــما هـــم پیمبـــر شـــدند

(همان: ۲۵)

۵-۳. اغراق متوالی یا پی در پی

اغراق‌هایی که در یک بیت خلاصه نمی‌شوند بلکه در توصیف دلاوری‌ها و مردانگی‌های قهرمانان، یا رجزخوانی میادین نبرد و مواردی از این قبیل اغراق‌های پی در پی آورده می‌شود که مجموعه‌ای از دیگر آرایه‌ها نیز این ابیات متوالی اغراق‌دار را همراهی می‌کنند و این توالی در توصیف را باید در محور عمودی کلام بررسی کرد .

۵-۳-۱. اغراق در صحنه، هنرنمایی و جنگ‌افزارها

توصیف صحنه‌های جنگ، هنرنمایی و حضور قهرمانان و جنگ‌ابزارهای یکی از جاهایی است که به شاعر حماسی‌سرا امکان عرض اندام ادبی و هنرنمایی کلامی مبتنی بر اغراق را می‌دهد. شاعر با به کارگیری کلمات متناسب با حس و حال حماسی در این حوزه ورود پیدا می‌کند.

۵-۳-۲. اغراق جنگ‌افزارها

تسلیحات نظامی و جنگ‌افزارها یکی محل قدرت‌نمایی اغراق شاعران حماسی از دیرباز بوده و سخنوران حماسی‌سرا ازاین محمل برای بیان آرایه اغراق بهره برده‌اند ملا راه خدا نیز در این زمینه به نحو احسن از این بستر استفاده نموده است.

نخست آمدش زمعه اندر نظر　　شده غرق آهن ز پا تا به سر
برافکنده برگستوان بر سمند　　به قرپوس گرز و به بازو کمند
حمایل یکی تیغ و نیزه به کف　　خرامان چو پیل دمان پیش صف
(همان: ۷۴)

بیامد خروشان و جوشان ز کین　　قبا و کلاهش همه آهنین
دلش اژدها وار آتش فشان　　شده دشت روشن ز برق سنان
(همان: ۷۵)

به کف تیغ خونریز و بر تن زره　　به سر شور کین و به ابرو گره
به بازوی خود غره و خشمناک　　نه هیچش ز اصحاب دین بیم و باک
(همان: ۱۰۶)

۵-۳-۳. اغراق در توصیف پهلوانی

پهلوانان و قهرمانان محور اصلی آفرینش حماسه‌ها هستند و شاعر از توصیف اغراق آمیز پهلوانی‌ها به سمت و سوی آفرینش صحنه‌های مخاطب پسند و جذاب گام بر می‌دارد و با کمک گرفتن از صنعت تشخیص گویاتر به این توصیف‌ها می‌پردازد.

دو پر شور قلزم چو بر هم زدند　　شد آن چنان رستخیزی بلند

که از دهشت آن ذرهٔ ابرگون / ز وحشت بباریـد از دیده خون
فتاد آن چنان بر زمین اضطراب / که گفتی قیامت درآمد ز خواب
زمین شد چو پشت نهنگ آهنین / هوا چون دم اژدها آتشین(همان: ۱۴۷)

به روز سیم بامداد پگاه / به ناگاه صمصم بیامد ز راه
به بالای سر بر پراکنده خاک / گریبان زده از پس و پیش چاک
جمازه بریده و بینی و گوش / ورا بسته وارون پالان به دوش (همان: ۳۰)

به پیش آن بزرگان گردن کشان / گریزان و افتان و زاری کنان
ز پی شیرمردان اقبال‌مند / کمند افکن و دست‌بر، پشت‌بند
(همان: ۱۶۳)

هژیر ژیان ابر شمشیر بار / عم مصطفی حمزهٔ نامدار
بیامد به کردار شیر ژیان / کشیده چو کوه اشتری زیر ران
پس آمد به کردار کوه احد / ستون سپه عمرو بن عبدود
چو منقل رخش تفته او را زخشم / به سان دو اختر فروزان دو چشم
به سر تا به پا رفته آن کینه جو / به فولاد چون نقش خاتم فرو
(همان: ۷۵)

روان شد چو در راه دین شاه دین / فلک گشت حیران ز رنگ زمین
زمین سر به عیوق اعلا کشید / ظفر قامت خویش بالا کشید
فرو کوفت اختر به بام سپهر / پی فتح او کوس زرین و مهر
(همان: ۳۴)

۵-۳-٤. در صحنه های نبرد تن به تن

چو شیر خدا بازوی مصطفی / درآرندهٔ عمرو و مرحب ز پا
به میدان هماورد خود را بدید / ز جا همچو قهر خدا بردمید

در آمد به تیکش چو قمقام دین　　برآورد چون برق صمصام دین
قضا گفت بردار اسیر تو من　　قضا گفت ای من غلامت بزن
(همان: ۶۸)

۵-۳-۵. اغراق میدان جنگ

ملا راه خدا سلجوقی در اغراق و مبالغه سعی کرده که در مسیر فردوسی گام بردارد و در این زمینه تاثیرپذیری او را می‌توان به خوبی مشاهده کرد. یکی از این جلوه‌گاه‌های بروز اغراق میدان جنگ است و استفاده از عناصر موجود که شاعر از آن برای اغراق‌آمیز ساختن کلامش بهره می‌جوید.

فغان خیزد از کوس بانگ نفیر　　شود گرم هنگامهٔ دار و گیر
قضا پرده از روی خود افکند　　هوا از دم اژدها دم زند
وزد از دو سو تندباد نبرد　　به میدان فتد مرد بر روی مرد
نماند در آن عرصهٔ رستخیز　　نه روی ستیز و نه پای گریز
(همان: ۸۸)

یسل بسته افواج کروبیان　　رسیدند از کشور آسمان
همان دم چنان تند بادی وزید　　که هرگز به آن تندیش کس ندید
(همان: ۱۱۳)

بسنجیدم این پردلان را بسی　　کم و بیش باشند سیصد کسی
ولی روز جنگ و گه کارزار　　برابر توان داشت با سی هزار
(همان: ۸۶)

به کف تیغ‌ها بر خون‌بار گشت　　هوا آتشین چون دم مار گشت
(همان: ۱۲۳)

ببستند در دم قضا با قدر　　برای حصول مرادش کمر
فلک گفت منت به جان می‌کنم　　بدان سان که گفتی چنان می‌کنم
(همان: ۱۱۶)

بـر آشـفت گفـت ای جهـول ظلـوم زبان شـوم و رو شـوم و خـود نیـز شـوم
نــه تــاب قــرار و نــه پــای فــرار زمــین ســنگلاخ و هــوا تیــغ بــار
(همان: ۱۶۲)

در آن دم صـف خصـم نزدیـک شـد زبـس گـرد، خورشـید تاریـک شـد
بجوشـید میـدان ز مـردان کـین هـوا آتشـین شـد زمـین آهنـین
ز بس گرد از دشت پرخـاش خاسـت زمـین دگـر در هـوا گشـت راسـت
(همان: ۱۱۲)

زمـین تفتـه چـون آتـش و آفتـاب نـه پیـدا در آن دشـت یـک قطـره آب
چنـان نـرم ریگـی کـه رفتـی در او شـتابنده تـا سـاق و زانـو فـرو
زبان‌هـا شـد از تشـنگی چـاک چـاک جگرهـا ز تفتنـدگی شـعله نـاک
(همان: ۶۳)

شـدش از دل آرام و از دیـده خـواب چـو سـیماب افتـاد در اضـطراب
(همان: ۲۱)

٦- نتیجه‌گیری

حماسه‌ها با اغراق پیوند خورده‌اند و مبالغه ظرفیت هنرنمایی شاعرانه را ایجاد می‌کند و حماسه‌های دینی بخشی موثر از این بستر حماسی بوده و هستند و جام جلال منظومه‌ای حماسی و ناشناخته در بحر متقارب با حدود ۱۵۰۰بیت سروده شاعری گمنام از شهرستان کوهرنگ استان چهارمحال وبختیاری به نام ملا راه خدا سلجوقی پبدنی که آن را حدود سال ۱۳۵۰ه.ش سروده است و در این نوشتار توانایی شاعر در بهره‌گیری از صنعت اغراق و انواع مختلف اغراق پرداخته شد و اغراق صرف یا اغراق خالص، اغراق مرکب یا ترکیبی، اغراق متوالی یا پی در پی، اغراق در صحنه، هنرنمایی و جنگ افزارها را شامل می‌شود. کم بودن منظومه‌های حماسی مرتبط با زندگی و غزوات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ارزش این کار را دو چندان می‌کند.

منابع

- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۶۹) *تصویر آفرینی در شاهنامه فردوسی*، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز. چ۲
- سلجوقی پبدنی، ملا راه خدا. (۱۴۰۱) *جام جلال*. به تصحیح ابوالفتح چراغپور احمد محمودی، شهرکرد: نشر مرید.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۵۲) انواع ادبی. *مجله خرد و کوشش*، شماره ۱۱و ۱۲؛ صص ۹۶-۱۱۹. https://ensani.ir/fa/article/189321
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۱) *بیان*. چ دوم. تهران: انتشارات فردوسی.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳) *انواع ادبی*. چ دهم. تهران: انتشارات فردوس.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۴) *حماسه سرایی در ایران*. تهران: فردوسی.
- فتوحی، محمود. (۱۳۸۹) *بلاغت تصویر*، چ دوم. نشر سخن.
- الهامی کرمانشاهی. (۱۳۸۳) *شاهدنام*ه. به کوشش علی انسانی، تهران: نشر جمهوری.
- همایی، جلال الدین. (۱۳۸۹) *فنون و صناعات ادبی*. تهران: نشر اهورا.